

مصاحبه سایت خبری و فرهنگی ترکمنصحرا

با سخنگوی جبهه دمکراتیک مردمی خلق عرب صالح ابو شریف

سایت خبری و فرهنگی ترکمنصحرا: با تشکر از جناب آقای صالح ابو شریف سخنگوی جبهه دمکراتیک مردمی خلق عرب، در ابتدای مصاحبه خواستیم بدانیم که جبهه دمکراتیک مردمی خلق عرب احواز آیا یک حزب ملی است و یا یک جبهه، اهداف و سیاست های کلی و راهبردهای آن را مختصراً توضیح دهید؟

آقای صالح: قبل از همه چیز می خواهم افتتاح سایت خبری ترکمنصحرا را به خلق مبارز ترکمن و گردانندگان آن تبریک بگویم و امیدواریم که همکاریهای خبری و فرهنگی گامی در جهت نزدیک کردن دیدگاههای سیاسی و مبارزاتی میان دو خلق ستم دیده باشد. دوستان در مورد سؤال شما مبنی بر اینکه تشکیلات یک حزب ملی یا یک جبهه است باید بگویم که تشکیلات ما یک جبهه است که از میان نیروهای مترقی خلق عرب احواز تاسیس شده. تشکیلات ما، مبارزه ملی را جدای از مبارزات طبقاتی خلقهای تحت ستم در ایران نمی بیند و برای حل مسئله ملی و طبقاتی خلق عرب احواز اهداف مبارزاتی زیر را دنبال می کند.

الف: برای حل مسئله ملی اصل انقلابی حق تعیین سرنوشت خلق عرب احواز و دیگر خلقهای تحت ستم در ایران رابه عنوان راه حل می شناسد. ما معتقدیم که از طریق یک همه پرسی آزاد و دمکراتیک خلقها آزادانه آینده سیاسی خود را تعیین می کنند. در این پروسه سازمانهای مختلف دیدگاههای خود را در مورد مسئله ملی مطرح کرده که ممکن است، استقلال، فدرالیسم و یا خود مختاری باشد.

جبهه با ایمان کامل به اینکه استقلال خلقها و یا اتحاد خود خواسته و ماندن در یک کشور و زندگی در کنار هم باید از طریق اراده آزاد خلقها محقق شود. تشکیلات ما تنها برای به کرسی نشاندن اراده خلقمان و آزادی آن از کلیه شیوههای اسارت مبارزه میکند و انتخاب آینده سیاسی و استقلال خلقها را ساده ترین حقوق خلقهای تحت ستم در ایران میداند. احترام به اراده خلقها شکل عینی یک دمکراسی مردمی است که در انتخاب آزاد آنان در یک همه پرسی خلاصه میشود.

ب: تشکیلات ما برای تغییر مناسبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خلق عرب در احواز و تحقق این هدف، اصل انقلابی برابری را به عنوان اصلی که ضامن رفع هرگونه تبعض میان انسانها و آزادی از هر نوع برده داری سرمایه و مناسبات فوقانی آن است میداند

ج. تشکیلات ما به دمکراسی توده ها که بالاترین شکل یک دمکراسی انسانی باور دارد، ما معتقدیم که آزادی انسان بالاترین هدف مبارزه است و این آزادی محقق نمی شود مگر اینکه توده ها در ساختن آینده خود مستقیماً و بدون واسطه دخالت کنند و تحقق چنین هدفی مرتبط است با شکل سیستم اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه است که بالطبع آزادی توده ها در یک نظام مرتبط با تراستها و بانک جهانی نمی تواند آزادی حقیقی اکثریت قاطع انسانها را تامین کند، در این مورد تشکیلات ما با باور به سیستمی که قادر باشد احتیاجات اولیه اکثریت جامعه را برآورد کند باور دارد، ما معتقدیم که در شرایط کنونی مبارزه حق تعیین سرنوشت، برابری و دمکراسی با هم ارتباط ارگانیکی دارند و غیر قابل تفکیک، چون تنها وقتی میتواند سرنوشت خود را تعیین کند آزاد است و انسانی که در یک مناسبات غیر عادلانه قرار دارد آزاد نیست، حالا این مناسبات ممکن است اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی باشد. اما در مورد راهبردها باید گفت که تشکیلات ما به نبرد انقلابی خلقها تا رسیدن به کلیه اهداف باور دارد و هر نوع مبارزه را برای دفاع از حقوق خلقمان با توجه به شرایط داخلی و بین المللی حق مشروع خلق می داند. این بدان

معناست که در مبارز طولانی رهایی بخش در شرایط و زمان معین تاکتیک معینی باید داشت که متناسب با زمان و مکان معین باشد، در شرایط کنونی جبهه در جهت متشکل کردن خلق عرب از یک طرف و رساندن صدای مبارزه آن به گوش تمام انسانهای آزاده دنیا فعالیت میکند، کما اینکه بر خود می بیند، در تمام زمینه های بین المللی صدای رسای مظلومیت آن باشد.

ترکمنصحرا: تظاهرات و درگیری های اخیر برخی از شهر های استان خوزستان از جمله در شهر احواز آیا دلایل ملی و قومی داشته یا صرفا صنفی بوده است؟ شما در خارج از کشور چه آکسیون هایی برای انعکاس این اعتراضات داشتید؟

صالحی: قبل از پرداختن به جواب خدمت دوستان موضوعی را تصحیح کرده باشم و آن اسم مناطق عرب نشین است. **خوزستان** اسم فارس شده بعضی از مناطق عرب نشین احواز است که پس از ورود نیروهای اشغالگر رضا میر پنج به منطقه و اتخاذ سیاستهای شوونیستی است که اسامی کلیه شهرها از عربی به فارسی و اسم منطقه از احواز یا در مکاتبات ایرانیان عربستان به خوزستان تبدیل کرد (مراجعه به کتاب سفرنامه پر تزویر رضا میر پنج به خوزستان) این اسم ربطی به تاریخ و فرهنگ خلق عرب ندارد، اسم حقیقی مناطق عرب نشین در طول تاریخ **احواز** یا **اهواز** بوده که اهواز اصطلاح مفرس شده احواز است.

اما در مورد سؤال باید گفت که هیچ شك و تردیدی نیست که جنبش 23 دسامبر 2002 خلق ما که در آن هزاران نفر در برابر نیروهای اشغالگر و سرکوبگر جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف احواز ایستادگی کردند يك جنبش ملی بود، (که شعار **احواز جاتم فدایت سنبل مبارزات آن بود**) که رفته رفته کارگران و زحمتکشان خلق عرب خاصه کارگران فولاد احواز که ماهها اعتراضات کارگری داشتند به آن پیوستند و مبارزات شکل و وجه انقلابی تری به خود گرفت که مایه وحشت جمهوری اسلامی شد. وحشت جمهوری اسلامی به جایی رسید که پادگان نظام زرهی 92 و حمید به حالت آماده باش کامل در آمده و 30 تانک از پادگان حمید در اطراف شهر ملامشیه پنج کیلومتری شهر احواز مستقر شدند. در این قیام که به اعتراف رئیس دادگاههای رژیم در احواز بیش از 1500 نفر بازداشت دهها نفر مجروح يك نوجوان کشته و دهها نفر دیگر محکوم به تبعید شدند.

ترکمنصحرا: عربهای خوزستان و تهران اخیرا در مقایسه با ملیت های دیگر ساکن کشور فعال شدند و یک سری حرکت های سیاسی کردند برای نمونه تشکیل حزب الوفاق الاسلامی یا گشایش بیت العرب در تهران و همچنین فعالیت نویسنده و شخصیت معروف عرب جناب آقای یوسف عزیزی بنی طرف که گهگاهی با سخنرانی و نوشتن مقاله مسئله ملی را مطرح میکند. شما این نوع حرکت های سیاسی را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا پشتیبانی می کنید؟

صالحی: جنبش رهایی بخش خلق عرب در تمام ابعاد خود رو به گسترش است و تاسیس بیت العرب در تهران و یا تاسیس حزب وفاق اسلامی یا دیگر فعالیتها سیاسی و فرهنگی در احواز جزئی از نمونههای عینی و رو به بیرون خلق ماست، اما در مورد وجود اینگونه فعالیتها بدون شك ما به هر کدام از این احزاب و موسسات و شخصیتها به گونه ای می اندیشیم، ما معتقدیم که رهایی خلقها از ستم ملی و رسیدن به حق تعیین سرنوشت تنها از طریق سرنگونی رژیم محقق میشود و سازمانهای سیاسی که مجوز فعالیت سیاسی خود را از رژیم می گیرند، به جزئی از بدنه رژیم تبدیل میشوند که رفته رفته و پس از رسیدن به پایگاه اقتصادی و سیاسی در برابر

خواسته های خلق قرار خواهند گرفت، البته با توجه به محرومیت‌های فراوان خلق عرب احواز این احزاب تا مدتی قادر خواهند بود با مطرح کردن بعضی از خواسته های آنی جامعه و خصوصاً مسائل سطحی مثل مواد 15 و 19 قانون اساسی که ما معتقدیم در آینده نزدیکی به یکی از سپایها تبدیل خواهند شد، برای مدت کوتاهی در میان خلق ما جا داشته باشند که با تحقق این خواسته ها وجود این احزاب با بن بست مواجه خواهد شد، در این حالت یا مجبور خواهند شد با خواست و افق سیاسی خلق ما خود را همسو نموده و یا در کنار رژیم قرار خواهند گرفت که با توجه به شرایط کار علنی و درون رژیمی ما معتقدیم جمهوری اسلامی این گونه سازمانها را به درجه ای از وابستگی خواهد رساند و چنان در میان آنان نفوذ خواهد کرد که هر گونه استقلال سیاسی آنان را سلب خواهد کرد. فلسفه وجودی این سازمانها بسته به عمر جمهوری اسلامی دارد، البته در این وسط خلق ما گم‌هایی را به جلو خواهد برداشت و در جهت تحقق اهداف خویش به مراحل متکاملتر مبارزه نزدیک می‌شود. وجود این احزاب در یک منطقه اشغال شده یک نوع تمرین سیاسی است که در آن ما به سرعت به مراحل جدیدتر گذر خواهیم کرد.

اما در مورد فعالیت‌های فرهنگی و صنفی که اکثرًا مستقل از رژیم تاسیس شده و به صورت خود گردان هستند ما با دید افتخار می‌نگریم، درفاصله بسیار کوتاهی صدها شاعر، نویسنده، نمایشنامه نویس، ناقد، روزنامه نگار، طراح و محقق در میان خلق ما چون نخل‌های سر به فلک کشیده از میان روستاها و شهرهای احواز سر در آوردند، و فضای اختناق را در هم کوبیدند تا جاییکه این جنبش رژیم را به وحشت انداخته تا کنون چندین بار مسئولین محلی رژیم ناقص خطر را به صدا در آوردند و حمله گسترده رژیم در دسامبر سال گذشته یکی از نتایج این جنبش است. این موج روشن گرایی که با استفاده دقیق و حساب شده خلق ما از شرائط اقلیمی، بین المللی و درگیری جناحهای رژیم و در نهایت نتیجه دهها سال مبارزه بود، جهشی بسیار بزرگ است تا جاییکه جبهه دمکراتیک در سال هشتم با اعلام گذر از مرحله کارهای فرهنگی دعوت به تشکیل و تاسیس ارگانهای صنفی زنان، کارگران، دهقانان، دانشجویان و دانش آموزان نمود.

اما در مورد آقای یوسف عزیزی محقق و روزنامه نگار عرب احوازی و دیگر نویسندگان و محققین که فرصتهای کمتری برای ظاهر شدن پیدا میکنند، ما احترام خاصی قائلم و به کلیه کسانی که به نوعی در مبارزه با تاریکی هستند درود می‌فرستیم، در مورد آقای عزیزی ایشان در چند سال اخیر با استفاده حساب شده از شرایط موجود توانست تا جای ممکن بسیاری از تبعیضها، محرومیتها و خواستههای عینی خلق ما را از طرق مختلف به بیرون و خاصه به دیگر روشنفکران خلقهای تحت ستم در ایران منعکس کند، ما با بسیاری از دیدگاههای ایشان همسو هستیم و همچنین با بعضی دیگر مخالفیم و این موضوع نشات گرفته از نوع فعالیت ایشان به عنوان یک نویسنده و محقق و فعال درون قانونی، و فعالیت ما به عنوان تشکیلات سیاسی با افق رهایی بخش و خواسته های معین که همگی به عنوان جرم در قانون اساسی ایران مطرحند، آقای یوسف عزیزی با استفاده از ابزارهای قانونی سعی در رساندن گوشه ای از صدای مظلومیت خلق ماست در حالیکه تشکیلات ما خواهان برچیده شدن و سرنگونی جمهوری استبدادی اشغالگر است، جبهه مبارزه سیاسی درونی و بین المللی خود را جهت کسب حق تعیین سرنوشت خلق عرب اعلام نموده در حالی که روشنفکران در شرائط اختناق قادر به مطرح کردن ساده ترین دیدگاههای خود نیستند. با تمام اینها ما از فعالیت‌های مثبت آقای یوسف عزیز و دیگر نویسندگان در احواز پشتیبانی میکنیم و فعالیت آنان را گامی به جلو میدانیم.

ترکمنصحرا: در انتخابات شهر و روستا در شهر تهران 13 درصد به پای صندوق های رای رفتند در حالیکه در احواز اکثر نمایندگان عرب ها به شوراهای شهر انتخاب شدند و در برخی از سایت

های خبری آمده بود که مردم عرب بخاطر پیروزی در انتخابات تا صبح پایکوبی کردند. در ترکمنصحرا نیز در اکثر شهرهای ترکمن نتایج مثل احواز بوده است و این نشان می دهد که در مناطق ملی هم نتایج و هم درصد رای دهندگان به گونه دیگر بوده است. آیا ملیت های ساکن کشور شوراهای شهر و روستا را به عنوان اهرمی نمی بینند که از این طریق یک سری حقوقی را که در قانون اساسی کشور قید شده طرح کنند و یا آن را بدست آورند و یا اینکه بنظر شما دسترسی به حقوق ملی در نظام حاکم کشور امکانپذیر نیست؟

صالحی: در مورد انتخابات شوراهای باید گفت که نتایج بسیار طبیعی بود و عربها در هر شرایط در انتخابات باید پیروز میشدند چون آنان اکثریت قاطع ساکنین شهرهای مختلف احوازند، اما انتخابات این دور شوراهای بیشتر به انتخابات دوم خرداد و رای دادن مردم به خاتمی بود، در واقع نسبت شرکت کنندگان در احواز در مقایسه با دیگر مناطق بیشتر بود ولی در مقایسه با ساکنین احواز بسیار ناچیز است و حتی شرکت کنندگان در انتخابات با باور به اینکه شوراهای ممکن است جزئی از حقوق ملی آن را باز پس گیرد به صندوقها نرفتند، چون اساسا این کار از شوراهای ساخته نیست بلکه فقط به منظور یک خود نمایی بزرگ در برابر اراده و ادعاهای رژیم مبنی بر اینکه عربها در منطقه اقلیتند در انتخابات شرکت کردند، و شاید دیگر تکرار نشود. اما در مورد اینکه ملیتها در چهارچوب این رژیم قادرند به حقوق ملی خود برسند ما به چنین چیزی باور نداریم چون رسیدن ملیتها به حقوق ملی خود که از دیدگاه ما همانا حق تعیین سرنوشت و انتخاب استقلال یا وحدت خود مختارانه در یک جمهوری فدرالیسم است در تضاد با وجود رژیم است. لذا تحقق اراده خلقها تنها با سرنوختی جمهوری اسلامی و انجام یک همپرسی آزاد محقق میشود.

ترکمنصحرا: برخی از گروهها و شخصیت های وابسته به ملیت های ساکن کشورمان و حتی گروههای اپوزسیون خارج از کشور مثل مشروطه خواهان خط مقدم و یا برخی شخصیت های ملی در داخل کشور عدم تمرکز و تقسیم قدرت را طرح می کنند و نظام فدرالیسم را برای یک کشور کثیرالمله مثل ایران آترناتیو مناسبی می بینند. ارزیابی شما از نظام آینده کشور چگونه است؟

صالحی: بدون شك فدرالیسم بر پایه ملی آن يك گام بزرگ در جهت تحقق حقوق ملی خلقها است. مطرح کردن فدرالیسم از طرف شخصيتهاي مختلف و حتی بعضی از سازمانهای معتبر با دیدگاهها و هدفهای متفاوتی صورت گرفته که بعضا تفاوتهای قابل توجه و مهمی با هم دارند از دیدگاه شخصيتها و سازمانهای ملت های تحت ستم فدرالیسم يك راه حل بسوی احقاق حقوق ملی خلقها و رسیدن به يك زندگی آزاد و شرافتمندانه است، در حالی که ملیون و مشروطه خواهان و حتی رضا پهلوی فرزند شاه سابق ایران به فدرالیسم به عنوان چاره ای برای فرار از استقلال این خلقها و به قول خودشان حفظ تمامیت ارضی ایران می نگرند و این دو دیدگاه باهم اختلاف وسیع جوهری دارند. ما به فدرالیسم به عنوان یکی از راههای پیش پای خلقها می نگریم و تحقق آن باید در کنار مطرح کردن حق استقلال کامل و بدون قید و شرط خلقها مطرح شود و این یعنی اتحاد آزادانه خلقها در يك جمهوری دمکراتیک فدراتیو و یا استقلال آنان بر مبنای اصل حق تعیین سرنوشت که به نظر ما حق تك تك خلقهای به زنجیر کشیده شده در ایران است، ما معتقدم باید به خلقها حق انتخاب داد و آنان در يك همه پرسی آزادانه آینده سیاسی خود را تعیین کنند در غیر اینصورت هر نظامی بدون شك غیر مشروع و بر پایه سلب حق اختیار پایه گزارى میشود که

شدیدا از دیدگاه ما مردود است و قابل تحقق نیست. دهها سال است که با زور و دیکتاتوری، با سرکوب و اختناق خلقها را در کنار هم نگه داشته اند، ساده ترین و ابتدایی ترین حقوق آنان را سلب نمودند و امروز می خواهند با شعار و تزویر چهره خود را زیبا نشان دهند، در حالی که اگر آنان فراموش کارند، حافظه خلقها فراموش کار نیست و هنوز هر آنچه خلقها میکشند نتیجه کردار و سیاست سرکوبگرانه ملیون امثال زاهدی و مدنی.... وشوونیستهای است که امروزه نقاب حقوق خلقها و دمکراسی را به چهره می زنند، ما تنها به نتیجه یک همه پرسی آزاد که در آن حق تعیین سرنوشت خلقها که همانا اراده آزاد آنان در استقلال یا اتحاد آزادانه در یک جمهوری فدراتیو محقق شود معتقدیم و تنها مطرح کردن فدرالیسم به عنوان راه حل مسئله ملی آن هم بدون در نظر گرفتن اراده آزاد ملل در واقع افتادن در دور تازه ای از ستم ملی در کشوری که ملل آن در بسیاری از جهات اختلافات عمیق فرهنگی، تاریخی و سیاسی، اقتصادی دارند.

ترکمنصحرا: شما با کدام گروهها حاضر به اتحاد و یا همکاری هستید؟

صالحی: تشکیلات ما تماس و هما هنگی با نیروهای مترقی خلقهای تحت ستم در ایران و همچنین نیروهای مترقی ایرانی، خصوصا سازمانها و نیروهایی که حق تعیین سرنوشت خلق ما و دیگر خلقهای تحت ستم در ایران را به رسمیت میشناسند در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده و تاکنون در این جهت گامهای خوبی برداشته شده.

ترکمنصحرا: نقش عامل خارجی را در تحولات منطقه در رابطه با افغانستان و عراق و یا احتمالا در ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟

صالحی: ما هرگونه دخالت خارجی در منطقه را محکوم می کنیم و بر این باوریم که، دخالت خارجیها یکی از عواملی است که باعث مشکلات کل منطقه و خصوصا خلقهای تحت ستم در ایران است، رژیم حاکم در ایران بیش از بیست سال است که به بهانههای مختلف خارجی خلقها را سرکوب و به جوخه های اعدام می فرستد. در مورد افغانستان اگر دخالت خارجی نبود طالبان برسر حکومت نمی آمد و سپس توسط همان عوامل خارجی از بین نمی رفت، در مورد عراق تمام شعارهای نیروهای اشغالگر در مورد دمکراسی و آزادی تاکنون سرابی بیش نیست و هر روز خلقهای عراق به این واقعیت آشناتر می شوند.

ما معتقدیم که روند تغییرات در منطقه همچنان ادامه می یابد تا امور بر وفق مراد سیاستهای نوین امپریالیستی بچرخد، و خلاء بوجود آمده پس از فرو پاشی شوروی پر شود، البته نباید فراموش کرد که این تحولات بر وفق مراد جمهوری اسلامی نیست بلکه در جهت عکس آن است و فشارها را بر جمهوری اسلامی بیشتر میکند، امپریالیستها برای اینکه در میان ساکنین منطقه دیکتاتور زده تا حدودی مقبولیت داشته باشند باید از بسیاری از دوستان سابق خود در منطقه بگذرند و یا در سیستم حکومت داری آنان تغییراتی ایجاد کنند، تحولات اخیر در چند کشور همسایه ایران در همین جهت است، بعضی را باجنگ و بعضی را با فشار و اقناع تا حدودی دگرگون کرده اند. البته در مورد ایران ما معتقدیم تغییرسیستم حکومتی از طریق فشارهای خارجی و همراه شدن با صدای آزادی خواهی ساکنان ایران انجام میگیرد و این سیاست امپریالیستها تا سراشیبی و سرنگونی جمهوری اسلامی ادامه داشت و با فجر انقلاب توده ها متوقف خواهد شد که در تمام شرایط خلقها رو به پیش حرکت خواهند کرد.

ترکمنصحرأ: آقأ صألحی آخرین سئوال ما مرربوط است به اینکه شما آینده ایران را چگونه ارزیابی می کنید و بنظر شما ملیت های ساکن کشور در آینده ایران چه نقشی را در سرنوشت این کشور ایفا خواهند کرد؟

صألحی: بدون شك سیاستهای دو جناح رژیم به بن بست رسیده و رژیم رو به فروپاشی است، حس آزادی خواهی ملل مختلف ساکن ایران از يك طرف و قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی در برابرهم قرار گرفته که یقینا به شکست و سرنوشتی ارتجاع می انجامد. اما در مورد نقش ملل باید گفت که این موضوع به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله میزان تشکل و آمادگی هرکدام از ملل تحت ستم و میزان هماهنگی میان مبارزات و خواستهای ملل تحت ستم، نقش خارجی و همچنین نقش احزاب سراسری ایرانی، هرکدام از این عوامل در چگونگی نقش ملل در آینده ایران موثرند، اما بدون هیچ شکی ملل تحت ستم در ایران هرگز تجربه سال 57 را تکرار نخواهند کرد .

ترکمنصحرأ: برای این مصاحبه و از اینکه اطلاعاتی در اختیار ما گذاشتید بسیار ممنون هستیم.

صألح : با تشکر از شما و امید موفقیت در کارهایتان.